

اقتضائات اخلاقی کاربرد تشویق و تنبیه در پرورش فرزند از دیدگاه اسلام

علی احمد پناهی*

چکیده

یکی از اصول مهم در پرورش فرزند، التزام به بایسته‌های اخلاقی کاربرد تشویق و تنبیه در این ساحت تربیتی است. سؤال اساسی این است که باید‌ها و نباید‌های اخلاقی در بهره‌گیری از تنبیه و تشویق در امر فرزندپروری از دیدگاه اسلام چیست. هدف پژوهش حاضر، بررسی و تبیین بایسته‌های اخلاقی کاربرد تشویق و تنبیه در فرزندپروری است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و منابع پژوهش، مجموعه‌ای از گزاره‌های اسلامی و تربیتی-روان‌شناختی است.

با توجه به منابع دینی (قرآن و روایات)، آموزه‌های روان‌شناختی (کتاب‌ها و مقالات) و نتایج پژوهش‌های دیگر، می‌توان گفت بهره‌گیری از تشویق و تنبیه، نقشی سازنده و مؤثر در تربیت فرزند دارد. نتایج مطالعات و بررسی‌های کتابخانه‌ای و میدانی نشان می‌دهد بهره‌گیری از تشویق و تنبیه در امر تربیت فرزند، اقتضائات و ضرورت‌هایی را ایجاد می‌کند. شماری از این ضرورت‌ها عبارتند از: (۱) توجه جدی به تفاوت‌های فردی فرزندان و متریبان؛ (۲) تعلق تشویق و تنبیه به رفتار فرزندان، نه به شخصیت آنان؛ (۳) رعایت هم‌ترازی تشویق و تنبیه با نوع رفتار؛ (۴) لزوم قاطعیت در اجرای تنبیه؛ (۴) ملاحظه اوضاع و

*استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانش‌آموخته حوزه علمی قم.



نوع خطا؛ ۵) آگاهی دادن به فرزندان درباره علل تنبیه و تشویق؛ ۶) فوریت در تشویق و تنبیه؛ ۷) تبیین توقعات خود از فرزندان و آموزش رفتار مطلوب.

واژگان کلیدی

تشویق، تنبیه، فرزندپروری، الزامات اخلاقی، هم‌ترازی، تفاوت‌های فردی، توقعات.

مقدمه

یکی از مباحث مهم و اساسی در فرآیند تربیت، به‌ویژه در فرزندپروری، برخورداری از دانش و مهارت کافی در این عرصه است. زانگ^۱ (۲۰۱۱: ۵۸۹) معتقد است همان‌گونه که برای اداره جامعه راه‌های مختلفی وجود دارد، برای مدیریت فعالیت‌های فرزندان و تربیت آن‌ها نیز روش‌های گوناگونی وجود دارد که باید بهترین روش به کار گرفته شود. روش فرزندپروری هر فرد بر جهان‌بینی، باورهای ارزشی و مبانی فکری و شناختی او مبتنی است و لذا بعضی اندیشمندان، از جمله بامریند^۲ (۱۹۹۱: ۱۱۱ تا ۱۶۳)، فرزندپروری را گونه‌ای از ارتباطات والد - فرزندی می‌دانند که شامل باورها، اصول، روش‌ها و رفتارهای ویژه می‌شود و عاملی مؤثر در شکل‌گیری باورهای درونی، ویژگی‌های شخصیتی و کنش‌های رفتاری بیرونی است. روش فرزندپروری بیانگر چگونگی ترجیحات یک فرد برای توصیف، پرورش و تربیت فرزند و به عبارت دیگر، روش‌های به کارگیری توانایی‌ها و مهارت‌های والدین و مربیان در عرصه تربیت فرزند است (استرنبرگ^۳، ۲۰۱۱: ۱۲۰ تا ۱۴۶).

اندیشمندان، روش‌های مختلفی برای تربیت فرزند مطرح کرده‌اند که هر یک از این روش‌ها، امتیازات و نواقصی دارند. سبک فرزندپروری اسلامی بدان دلیل که بر گزاره‌های وحیانی و معارف ناب استوار است و به آزمایش و خطاهای متعارف در علوم تجربی نیاز ندارد، از اتقان و جامعیت نسبی بیشتری برخوردار است. گرچه در این عرصه نیز خطاهای مرتبط با فهم بشری می‌تواند مشکل‌ساز باشد، می‌توان با بهره‌گیری از

1.Zang, R. B.
2.Baumrind,D.
3.Sternberg, J. R.





روش‌های متعددی که برای تعیین صحت و سقم گزاره‌های دینی وجود دارد، این مشکلات را به حداقل رساند.

در چشم‌انداز اسلامی، فرزندپروری یکی از شاخص‌ترین نقش‌های والدین قلمداد شده و مسئولیت خطیری را بر عهده والدین نهاده است^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۲۲). تربیت فرزندان از موضوعاتی است که در گزاره‌های دینی به روشنی تصریح شده است^۲ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۴۶). براساس تعالیم اسلامی، مصونیت در برابر بخشی از ناهنجاری‌های روانی، اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی فرزندان و نسل‌های بعدی با عملکرد آموزشی و تربیتی والدین پیوند دارد^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۳۱۲).

در گزاره‌های دینی، با در نظر گرفتن مشقوق‌های مختلف^۴ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۴۷۶)، والدین به ایفای نقش فرزندپروری ترغیب شده‌اند. تربیت فرزند در نگاه اسلامی، امری پیچیده و فرآیندی با گستره و دایره شمولی وسیع است. از دیدگاه اسلامی، فرآیند فرزندپروری از انتخاب همسر، مراقبت‌های انعقاد نطفه و مراقبت‌های دوره بارداری آغاز می‌شود و با مراقبت‌های زیستی (تغذیه و شرایط زیستی مناسب و...)، مراقبت‌های روان‌شناختی و ملاحظات معنوی ادامه می‌یابد. کوشش‌های والدین برای تربیت فرزند، هم به‌طور مجزا و هم در تعامل با یکدیگر، بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی و رفتاری و همچنین بر تحول فردی و اجتماعی فرزندان تأثیر می‌گذارد. کم‌وکیف تعامل^۵ والد - فرزندی با سبک فرزندپروری آنان ارتباط دارد و به دلیل انطباق‌های مداومی که در آن صورت می‌گیرد، پدیده‌ای پویا^۶ شمرده می‌شود. سطح و کیفیت تعامل والدین با فرزندان، هم‌تراز و متناسب با رشد زیستی و شناختی فرزندان تغییر می‌کند. در فرزندپروری اسلامی،

۱. «أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِثْلُكَ وَ مُصَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ سَرَّوَهُ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِمَاءَةِ إِلَيْهِ.»

۲. «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسَنَ اسْمَهُ وَ يَحْسَنَ أَدَبَهُ.»

۳. «إِنَّ اللَّهَ يُفْلِحُ بِفَلَاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وُلْدَهُ وَ وُلْدَ وُلْدِهِ.»

۴. «لَأَنْ يُؤَدَّبَ أَحَدُكُمْ وَ لِدَا خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَّصِدَّقَ بِنُضْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ.»

5.Interaction.

6.Dynamic Phenomena.



والدین نهایت کوشش خود را به کار می گیرند تا فرزندشان نیکو پرورش یابند و رفتارهای بهنجار داشته باشند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۸). در فرزندپروری اسلامی، والدین به گُنش بهنجار و هم تراز با ظرفیت های فرزندان ملزم و از انتظارات نامتوازن و رفتارهای نابه جا منع شده اند^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۱۱۴).

در سبک تربیتی اسلام، به همه ابعاد شخصیت و نیازهای فرزندان و بهروزی اخروی و دنیوی آنان توجه شده است. یکی از اساسی ترین موضوعات در فرزندپروری اسلامی، جهت دهی و هدایت فرزندان به سوی یگانه پرستی^۳ (لقمان: ۱۳)، اندیشیدن در عظمت و کبریایی خداوند^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۴۰۲؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ۳۳۶)، دلدادگی به خالق متعال^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۱۹۹) و برقراری رابطه ای محکم و وثیق با خالق هستی و پروردگار عالم است^۶ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۹۲).

در تربیت اسلامی، عناصر متعددی در تحقق فرزندپروری دخیل است. یکی از این عناصر، بهره گیری از تشویق و تنبیه است. بهره گیری از تشویق و تنبیه، مستلزم رعایت درست و دقیق ضوابط و اصول خاصی است و بی توجهی به این ضوابط ممکن است پیامدهای منفی زیادی داشته باشد.

در پژوهش حاضر کوشش شده برخی از بایدها و نبایدهای اخلاقی کاربرد تشویق و تنبیه در تربیت فرزند از دیدگاه اسلامی تبیین شود. همچنین، برای تقویت مبحث، برخی از مطالعات میدانی بررسی می شود. هدف پژوهش حاضر، آگاهی دادن به والدین و مربیان

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَجِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا.»

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَجِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يُزْهِقُهُ وَ لَا يَحْرُقُ بِهِ.»

۳. «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ.»

۴. قال علیؑ: «ولا عبادة كالتفكر في صنعة الله. لقمان حكيم به فرزندش فرمود: «يا بني... و اطل التفكر في ملكوت ملكوت السماوات و الارض و الجبال و ما خلق الله فكفى بهذا و اعظاً لقلبك.»

۵. «يا بني كُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ.»

۶. قال علیؑ: «فَأَنَّى أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَنِي وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَى سَبَبِ أَوْثَقٍ مِنْ سَبَبِ تَبَتُّكُ وَ تَبَيَّنَ اللَّهُ إِنَّ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ.»

درباره اقتضائات و بایسته‌های بهره‌گیری از تشویق و تنبیه در عرصه تربیت و به‌ویژه در تربیت فرزند است.

مفهوم‌شناسی تشویق و تنبیه

تشویق،^۱ در لغت، از ریشه شوق به معنای برانگیختن، به آرزو درآوردن کسی، برانگیختن یا به شوق آوردن کسی (دهخدا، ۱۳۴۳: ذیل واژه «تشویق») یا به معنای کسی را ستودن و او را دلگرم ساختن است (عمید، ۱۳۶۰، ذیل واژه «تشویق»).

تشویق در اصطلاح، حرف یا رفتاری است که از فعلی (رفتار) قدردانی می‌کند و آن را می‌ستاید؛ مانند آفرین، احسنت، بارک‌الله، متشکرم، خوشنود شدم، تقدیم هدیه، خرید اسباب‌بازی، لباس، کفش نو، مسافرت، لبخندزدن، درآغوش گرفتن، بوسیدن، اظهار رضایت، تعریف و تمجید و... (امینی، ۱۳۸۴: ۱۳۶ تا ۱۳۷)؛ به عبارت دیگر، مقصود از تشویق، پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کسی و پاداش دادن به منظور قدردانی از کوشش اوست (قاسمی، ۱۳۸۵: ۳۸۴).

تنبیه بر وزن تفعیل از ماده «نُبِه» یعنی بیدار کردن و آگاه و هوشیار کردن، سرزنش، عقوبت و دلالت کردن به چیزی که شخص از آن غافل باشد (دهخدا، ۱۳۴۳: ذیل واژه «تنبیه»؛ نیز نک: معین، ۱۳۸۴: ذیل واژه «تنبیه»).

تنبیه را در اصطلاح می‌توان یک محرک آزارنده یا یک تقویت‌کننده منفی دانست که به دنبال یک رفتار نامطلوب می‌آید و نتیجه‌اش ضعیف شدن یا کاهش احتمال بروز آن رفتار است (سیف، ۱۳۸۴: ۳۳۸). مراد از تنبیه استفاده از روش‌های هوشیارکننده یا هوشیاری‌دهنده، همراه یا بدون ترس و دلهره است که در بعضی موارد، به تنبیه بدنی نیز منتهی می‌شود. تنبیه موجب ترک و تضعیف یا تقویت یا تعدیل عمل و رفتار می‌شود و فرد را از حالت انحراف منفی خارج می‌سازد (فایضی، ۱۳۷۰: ۱۴۴). به تعبیر دیگر، تنبیه، مواجهه با تجارب ناخوشایند است؛ بنابراین، هرگونه محرومیت عاطفی و اجتماعی و هرگونه محدودیت یا محکومیت شخصی را می‌توان تنبیه تلقی کرد.





اهمیت تشویق و تنبیه در فرزندپروری

تشویق و تنبیه از اصول مهم در فرزندپروری است و نقش مؤثری در تربیت، به‌ویژه در تحوّل شخصیت و کنش‌های رفتاری بهنجار، ایفا می‌کند. به‌دلیل پیچیدگی رفتار آدمی و علل و انگیزه‌های متعددی که در هماهنگی وی با برنامه تربیت وجود دارد، باید شیوه‌های گوناگونی را به تناسب موقعیت‌های مختلف برای ایجاد انگیزش و تطابق رفتار فرزند با اهداف تربیتی به کار بست تا در نهایت، نتیجه‌ای مطلوب حاصل شود. تشویق عامل برانگیختن افراد به سوی اهداف و وسیله‌ای برای تقویت و تکرار رفتارهای مطلوب است؛ از این رو، روان‌شناسان، به‌ویژه رفتارگراها (مثل اسکینر و پاولف)، روش‌های گوناگونی را برای نیل به این هدف در نظر گرفته‌اند. بهره‌گیری توأمان از تشویق و تنبیه در نظام تربیتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. همچنین، استفاده از این روش تربیتی، نیازمند رعایت الزامات، داشتن آگاهی‌های ویژه و موقعیت‌شناسی خاصی است.

تنبیه و تشویق به قصد تربیت و اصلاح نسل‌ها و بازداشتن افراد از لغزش‌ها، از بدو پیدایش جوامع وجود داشته و در دوره‌های مختلف به صور گوناگون از آن استفاده شده است. امروزه قوانین جزائی در کشورهای مختلف، عامل بازدارنده و از مصادیق تنبیه تلقی می‌شوند. در فرزندپروری نیز اصل تشویق و تنبیه به‌طور مسلّم پذیرفته شده است. انسان‌ها به‌طور فطری از تنبیه و توهین گریزان هستند و از تمجید و تعریف استقبال می‌کنند. هر انسانی دوست دارد شخصیت خود را کامل کند و منتظر است تا دیگران به جنبه‌های مثبت شخصیت وی پی ببرند و از او قدرشناسی کنند. اگر افراد تحسین شوند، تمایل بیشتری برای ابراز رفتارهای بهنجار و سالم پیدا می‌کنند؛ به همین دلیل، تشویق عامل محرک افراد محسوب می‌شود و این به‌معنای قرار گرفتن در راه تکامل است. در سایه تشویق می‌توان فرد را به کارهای مطلوب واداشت و او را به مسیر درست هدایت کرد. قدردانی و تشویق در عین آنکه ساده‌ترین و ارزان‌ترین روش است، دارای چنان اثر و نیروی اعجاب‌آوری است که می‌تواند به فرد یا جامعه حیات تازه‌ای ببخشد و استعدادها را برای فعالیت‌های نو شکوفا کند. کودکی که به‌تازگی کار خوبی را یاد گرفته است، در اثر تشویق، به آن کار خوب ادامه می‌دهد. حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «همواره از آنان (به



قصد تشویق) ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را (به کوشش بیشتر) برمی‌انگیزد و ترسوها را به کوشش وامی‌دارد^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳: ۶۰۵).

طبع انسان از مجازات و تنبیه رویگردان است و ترس از این عوامل می‌تواند او را از بعضی اعمال بازدارد؛ به عبارت دیگر، چون اساس زندگی انسان بر جلب لذت و دفع ضرر مبتنی است، از هرچه برای او لذت‌بخش و خوشایند باشد، استقبال می‌کند و از هرچه برایش دردآور و رنج‌آفرین باشد، می‌گریزد. بدین روی، چون تنبیه برای او دردآور است، انسان از عملی که عاقبتش تنبیه است، پرهیز می‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که یقین به کیفر (عمل) دارد، جز کار نیک انجام نمی‌دهد»^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۴۱).

اگر تنبیه بر قواعد و ضوابط استوار باشد، می‌تواند روش تربیتی مؤثری باشد. البته درباره میزان و چگونگی تنبیه بسیار سخن رفته است. این روش تربیتی از زمان‌های قدیم، موافقان و مخالفانی داشته است. بیشتر کارشناسان، به این دلیل که ممکن است تنبیه - هم برای تنبیه‌شونده و هم برای تنبیه‌کننده - عواقب زیان‌آوری داشته باشد، درباره تنبیه محتاطانه سخن گفته‌اند. براساس نظرات مریبان، اگر رفتار فرد با روش‌های مطلوب و تقویت‌کننده‌های «مثبت و منفی» قابل اصلاح باشد، استفاده از تنبیه (به‌منزله محرکی آزارنده) جایز نیست. آنان بر تشویق و پاداش دادن در ازای اعمال و رفتار مطلوب تکیه کرده‌اند و تنبیه را آخرین روش مؤثر در تغییر رفتار (آن هم به شکل ساده) دانسته‌اند. بنابراین، تنبیه فقط در مواردی خاص، برای تغییر رفتار نامطلوب یا ترک عادت نامطلوب، کارآمد است. در گزاره‌های اسلامی نیز هنگام رویارویی با رفتار نامناسب، گزینه نخست مدارا و نرمی است و در صورتی که نرمی سودمند نباشد، تندی و تنبیه به‌منزله داری تلخ و آخرین راه‌حل، تجویز شده است (رسولی محلاتی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۶).

۱. «وَ واصل فی حُسن النَّاءِ عَلَیْهِمْ وَ تَعْلیدِ مَا أَبْلَى ذَوُو الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ فَعَالِهِمْ تَهْرُ السُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ التَّاکِلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.»
 ۲. «مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَجَازَةِ لَمْ يُؤْرَثْ غَيْرَ الْحُسْنَى.»



یکی از وظایف والدین در نقش مربیگری، ایجاد انگیزه و علاقه در فرزندان برای تحقق امر تربیت است. روان‌شناسان و مربیان در این مسئله توافق دارند که انگیزه، عامل درونی تحقق رفتار است و این عامل، رفتار شخص را برمی‌انگیزد، جهت می‌دهد و آن را با وضعیت فیزیکی و طبیعی هماهنگ می‌سازد. برخورداری از انگیزه کافی از عوامل اساسی در نیل به هدف و کوشش برای رسیدن به آن است (رابینز،^۱ ۲۰۱۵م، ج ۱: ۲۰۱ و ۲۰۲).

روان‌شناسانی که رویکرد رفتاری‌نگر^۲ دارند، انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می‌دانند. برداشت رفتارگرایان از انگیزش بر این اندیشه استوار است که پیامدهای اعمال و رفتار، هدایت‌کننده و کنترل‌کننده آن‌ها هستند. در رویکرد رفتاری‌نگر، انگیزانه‌ها (مشوق‌ها)،^۳ منبع انگیزشی افراد به شمار می‌آیند. در رویکرد شناختی نیز، باور بر این است که اندیشه‌های فرد سرچشمه انگیزش او هستند. همچنین، شناخت گراها معتقدند اهداف، نقشه‌ها، انتظارات و نسبت‌هایی که به فرد داده می‌شود، رفتارهای او را ایجاد و هدایت می‌کنند؛ از این رو، این گروه بر انگیزش درونی بیش از انگیزش بیرونی تأکید دارند.

در رویکرد انسان‌گرایی نیز به جای تأکید بر تقویت و تنبیه به منزله منبع اصلی انگیزش، بر توانایی دانش‌آموزان و مربیان برای رشد شخصی، آزادی انتخاب هدف‌های زندگی و ویژگی‌های مثبت (مانند حساس بودن درباره دیگران) تأکید می‌شود؛ بنابراین، از دیدگاه روان‌شناسان انسان‌گرا، برای ایجاد انگیزش باید احساس شایستگی، خودمختاری و عزت نفس را در افراد افزایش داد (سیف، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از رویکردهای انگیزشی، رویکرد اجتماعی-فرهنگی است. بنا بر این رویکرد، منبع انگیزشی مهم برای بعضی از افراد، بودن با دیگران و داشتن رابطه دوستانه متقابل با آنان است. به گفته وولفلک، مردم در فعالیت‌ها شرکت می‌کنند تا هویت خود و روابط با دیگران را حفظ کنند؛ برای مثال، اگر دانش‌آموزان، عضو کلاس یا آموزشگاهی باشند که افراد آن کلاس یا آموزشگاه برای یادگیری ارزش قائل می‌شوند،

1. Robbins.

2. behavioristic approach.

3. incentives.



انگیزش آنان برای یادگیری زیاد می‌شود (رایبزر، ۲۰۱۵م، ج ۱: ۲۰۴ تا ۲۴۰). مراد از انگیزانه، یک شیء یا رویداد [محرک] است که رفتاری را برمی‌انگیزد یا از رفتاری بازمی‌دارد. در رویکرد رفتاری نگر بیشتر بر انگیزش بیرونی^۱ تأکید شده است. در این رویکرد، تقویت مثبت (پاداش‌های مادی و معنوی) (رایبزر، ۲۰۱۵، ج ۱: ۵۰ تا ۲۰۷)، بهره‌گیری از مشوق‌های کلامی (سیف، ۱۳۹۳) و تنبیه متناسب، از عوامل تقویت رفتار تلقی شده است.

در گزاره‌های دینی، افزون بر توصیه به این روش تربیتی^۲ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۰ و ۴۳۱)، به ضوابط و چارچوب‌های کاربردی آن نیز اشاره شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نقش تشویق در ایجاد انگیزه و افزایش میزان رفتار مطلوب می‌فرماید: «همواره از افراد فعال ستایش کن و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها را به کوشش وامی‌دارد»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳: ۶۰۵). امام علی علیه السلام در یکی از حکمت‌های نهج البلاغه درباره جایگاه تشویق و تنبیه در اصلاح رفتار می‌فرماید: «همانا خداوند پاداش (تشویق) را بر اطاعت و کفر (تنبیه) را بر نافرمانی قرار داد تا بندگان را از عذابش برهاند و به سوی بهشت رهنمون گردد»^۴ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۳۹). در آموزه‌های دینی به نکته دقیقی اشاره شده و آن اینکه با تشویق نیکوکاران می‌توان به تنبیه خطاکاران و افراد تنبل پرداخت و با یک تیر دو نشان را زد (تشویق نیکوکار و تنبیه خطاکار). حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «با پاداش دادن (تشویق) به نیکوکار، به تنبیه و آزار خطاکار اقدام کن»^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۴۴).

1. extrinsic motivation.

۲. حضرت علی علیه السلام به مالک فرمود: «لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سِوَا فِيهِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَ أَلْزَمَ كُلًّا مِنْهُمَ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ.»

۳. «وَاصِلٌ فِي حُسْنِ النَّسَاءِ عَلَيْهِمْ وَ تَعْدِيْدٌ مَا أَبْلَى ذَوُو الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ فِعَالِهِمْ تَهْرُ السُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّكَالَ.»

۴. «إِنَّ اللَّهَ شَيْخَانَةٌ وَصَحَّ الثَّوَابُ عَلَى طَاعَتِهِ وَ الْعِقَابُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيَادَةٌ لِعِبَادِهِ عَنْ نَقْمَتِهِ وَ حِيَاشَةٌ لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.»

۵. «أَرْجُرُ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ.»



در آموزه‌های دینی گاهی تبشیر و تشویق بر تنبیه مقدم شده و گاهی بالعکس؛^۱ لذا می‌توان گفت تشویق و تنبیه دو ابزار اساسی برای اصلاح و بهبود رفتار هستند که باید بجا و سنجیده و متناسب با موقعیت مخاطب و متناسب با رفتار او به کار گرفته شوند. هرگونه سهل‌انگاری یا تندروی در استفاده از راهبرد تشویق و تنبیه ممکن است پیامدهای زیان‌باری داشته باشد.

الزامات و بایسته‌های اخلاقی کاربرد تشویق و تنبیه در تربیت

بهره‌گیری از تشویق و تنبیه همانند هر اصل تربیتی دیگر، دارای ضوابط و هنجارهایی است که باید رعایت شود. شماری از بایسته‌های کاربرد تشویق و تنبیه عبارتند از:

رعایت تفاوت‌های فردی فرزندان

تفاوت‌های فردی فرزندان، ساحت‌های مختلفی دارد. تفاوت شناختی (ادراکی)، سطح انگیزشی، تفاوت سنی، تفاوت جنسیتی، تفاوت در نیازها، تفاوت جسمانی و... از جمله این ساحت‌هاست. در تشویق و تنبیه باید همه این ساحت‌ها را در نظر گرفت. در گزاره‌های اسلامی و تربیتی به این تفاوت‌ها توجه شده است. حضرت علی علیه السلام درباره رعایت تفاوت‌های فردی در تنبیه فرمود: «مجازات خردمندان با تعریض و اشاره است و مجازات نابخردان با تصریح»^۲ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۳۹). همچنین، ایشان فرمود: «تعریض و اشاره به لغزش خردمند از دردناک‌ترین سرزنش‌ها برای اوست»^۳ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۵) یا «چه بسا گناهی که اندازه مجازات آن، آگاه کردن خطاکار از آن است»^۴ (لیثی واسطی،

۱. در آموزه‌های قرآنی در موارد مختلفی از واژه‌های بشیر و نذیر در کنار هم استفاده شده و در مواردی نیز فقط از نذیر استفاده شده است. انذار (تنبیه) عمدتاً در موارد پرخطر به کار رفته است؛ زیرا در موارد پرخطر نمی‌شود از تشویق (تبشیر) بهره برد؛ مثلاً پلیس متعهد، در جاده‌های خطرناک به‌طور مکرر هشدار می‌دهد و هیچ‌گاه از تشویق بهره نمی‌گیرد.

۲. «عُقُوبَةُ الْعَقَلَاءِ التَّلْوِيحُ وَ عُقُوبَةُ الْجُهَلَاءِ التَّصْرِيحُ».

۳. «التَّعْرِيضُ لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابَهُ».

۴. «رُبَّ ذَنْبٍ مَقْدَارُ الْعُقُوبَةِ عَلَيْهِ إِغْلَامُ الْمُدْنِبِ بِهِ».



۱۳۷۶: ۲۶۷). حضرت علی علیه السلام درباره راه‌های اصلاح رفتار و فرآیند سرزنش و تنبیه نیز سخن گفته است: «هرگاه نونهالی را سرزنش کردی، جایی برای عذر آوردن برای خطایش بگذار تا قرار گرفتن در تنگنا، او را به درستی و سرسختی نکشاند»^۱ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰: ۳۳۳). لزوم توجه به توانایی افراد و پرهیز از سختگیری در تنبیه، از دیگر ضوابط تنبیه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر فرمانبری از وی یاری کند». سؤال شد: «چگونه یاری نماید؟» حضرت فرمود: «آنچه را در توانش بوده از او بپذیرد و بر او سخت نگیرد و از آنچه در توانش نیست بگذرد. بر آنچه ناتوان است و ندارد و بر او سخت نگیرد»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۵۰). شخصی گفت: «نزد امام ابوالحسن موسی کاظم علیه السلام از فرزندم شکایت کردم، فرمود: «او را نزن، بلکه از او دوری نما (و قهر کن)؛ ولی این را نیز طول مده»^۳ (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۸۹).

در سیره رفتاری حضرت علی علیه السلام آمده است که حضرت هنگام اجرای حدود، گاهی با تمام تازیانه می‌زد و گاهی با نصف و گاهی با بعضی از آن. این چنین بود که اگر پسر یا دختر نابالغی را که مرتکب خطا شده بودند، نزد حضرت می‌آوردند، ایشان حدود الهی را تعطیل نمی‌کرد. به حضرت صادق علیه السلام عرض شد: «چگونه می‌زدند؟» حضرت فرمود: «تازیانه را از وسط یا از یک‌سوم آن می‌گرفت و سپس به اندازه سنشان آن‌ها را تأدیب و تعزیر می‌کرد»^۴ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸: ۳۰۷). شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: «آیا بر کودک، حد کامل جاری می‌شود؟» حضرت فرمود: «تعزیری که بر افراد بالغ جاری می‌شود، بر او جاری نمی‌گردد»^۵ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۱۹۸). اسحاق بن عمار می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره مجازات فرد کر و لال و کور سؤال کردم که آیا بر آن‌ها حد

۱. «إذا عاتبت الحدّ فاترك له موضعا من ذنبه لئلا يحمله الإخراج على المكابرة.»

۲. «قال رسول الله ص رجم الله من أعان ولده على برّه قال قلّ كَيْفَ يُعِيْنُهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَةَ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْشُورِهِ وَ لَا يُزْهِمُهُ وَ لَا يَحْرُقُ بِهِ.»

۳. «قال بعضهم شكوت إلى أبي الحسن موسى ابنا لي فقال لا تضربه و اهجره و لا تطل.»

۴. «إنه كان يضرب بالسوط و ينصف السوط و يبعضه في الحدود و كان إذا أتى بعلامة و جارية لم يدر كما لا يبطل حداً من حدود الله عزّ وجلّ قيل له و كيف كان يضرب؟ قال كان يأخذ السوط بيده من وسطه أو من ثلثه ثم يضرب به على قدر أسنانهم.»

۵. «و لكن يجعل في الحدود كلها على مبلغ سنة.»



جاری می‌شود» حضرت فرمود: «بر آن‌ها حدود جاری می‌شود، هنگامی که به آنچه انجام داده‌اند، درک و عقل داشته باشند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۴۴).

آیت‌الله گلپایگانی در جواز تنبیه کودک می‌گوید:

«زدن کودک غیرممیز، از مصادیق ظلم است و نزد عقلا جایز نیست؛ خواه ضارب پدر باشد یا غیر او؛ زیرا با فرض غیرممیز بودن، نمی‌داند برای چه چیزی مورد تأدیب قرار می‌گیرد. بنابراین، آثاری جز اذیت و آزار کودک بر این تنبیه محقق نمی‌شود» (گلپایگانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۲۸۱).

در گزاره‌های دینی از تنبیه دختران و زنان هنگام عادت ماهیانه - به دلیل وضعیت نامساعد روان‌شناختی آن‌ها^۲ (بقره: ۲۲۲) و آسیب‌پذیری بیشتری که در این زمان دارند - نهی شده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمود: «حد بر مستحاضه تا زمانی که خون استحاضه‌اش قطع نشده، جاری نمی‌گردد»^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۶۲). در روش‌های تربیتی باید جنسیت افراد را در نظر گرفت؛ پسران به بعضی تنبیه‌ها، واکنش مناسب‌تری نشان می‌دهند؛ درحالی‌که همان تنبیه برای دختران چنان تأثیری نخواهد داشت. تنبیه باید با سن فرد متناسب باشد. بعضی از تنبیه‌ها در سنین کم تأثیر مناسبی دارد؛ اما همان تنبیه برای افراد با سنین بیشتر چندان مؤثر نیست.

تشویق باید نیازهای فرزندان را تأمین کند و دلخواه او باشد؛ وگرنه نمی‌تواند انگیزش کافی را برای افزایش فراوانی رفتار در پی داشته باشد. همچنین، بعضی از تنبیه‌ها به دلیل فرآیند عادی‌سازی، ممکن است تأثیر بازدارندگی نداشته باشند. والدین در امر تربیت فرزند باید به توانمندی جسمانی، شناختی و آگاهی‌های فرزندان توجه جدی داشته باشند. در قرآن بر ظرفیت‌های شناختی^۴ (نور: ۵۹)، عاطفی^۵ (حج: ۷۸ و بقره: ۱۸۵)، جسمانی^۶ (انعام: ۱۵۲ و آل عمران: ۹۷) و معرفتی افراد تأکید شده است.

۱. «عَلَيْهِمُ الْحُدُودُ إِذَا كَانُوا يَعْقِلُونَ مَا يَأْتُونَ».

۲. «وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هِيَ أَذَى فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ».

۳. «لَا يَقَامُ الْحَدُّ عَلَى الْمُسْتَحَاضَةِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الدَّمُ عَنْهَا».

۴. «وَ إِذَا بَلَغَ الْوَسْمُ الْوَسْمُ فَالْحِلْمُ فَلْيَسْتَعِزُّوا».

۵. «وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ. يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَجْمَعًا وَ لِيُطَهِّرَ الْبَيْتَ لِلنَّاسِ حَجًّا».

۶. «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا وِجْرَةً إِلَّا وُسْعَهَا. وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا».

تعلق تشویق و تنبیه به رفتار، نه به شخصیت فرد

هر عملی از دو جنبه درخور دقت و توجه است: یکی، از نظر رفتار و دیگری، از نظر فاعل آن رفتار. تحسین و نکوهش هم می‌تواند به یکی از این دو جنبه یا به هر دوی آن‌ها تعلق گیرد. گاهی خود رفتار ناپسند و سزاوار سرزنش شمرده می‌شود و گاهی فاعل رفتار سرزنش می‌شود که چرا این رفتار از او سر زده است.

تشویق و تنبیه (به‌ویژه تنبیه) باید به فعل تعلق گیرد، نه به شخص (تنبیه رفتار فرد، نه شخصیت فرد)؛ یعنی اگر کودکی کار خطایی انجام داد که مستحق تنبیه است، نباید شخصیت او تحقیر شود؛ بلکه فعل او باید نکوهیده شود. نباید گفت «تو بچه بدی هستی»، بلکه باید گفت «تو کار بدی انجام دادی» یا «رفتار امروزت قابل تحمل نیست».

خداوند در قرآن با بیان دلیل مجازات اقوام، به نوع رفتار آن‌ها اشاره می‌کند و رفتارشان را تعیین‌کننده نوع مجازاتشان معرفی می‌کند؛ برای مثال، دروغ‌گویی^۱ (بقره: ۶۰)، فسق^۲ (بقره: ۵۹)، عصیان و تعدی^۳ (بقره: ۶۱)، کتمان حق^۴ (مائده: ۶۱)، مکر ورزیدن^۵ (انعام: ۱۲۴) و... را دلیل عذاب و مجازات می‌داند و در همه این آیات، دلیل مجازات و تنبیه را رفتار ناپسند افراد معرفی می‌کند، نه ماهیت فردی و شخصیت آن‌ها.

در مجموع، خطاب آیات قرآن در موارد تنبیه و مجازات، اعم از مجازات دنیوی و اخروی، به رفتار نامطلوب خطاکاران است، نه شخصیت آنان. اگر در موردی هم به شخصیت آنان خطاب شده به این دلیل است که رفتار ناپسند آنان جزیی از شخصیتشان شده است. در سیره عملی و روایات معصومین علیهم‌السلام، به اصل سرزنش عمل ناشایست خطاکار و رعایت شخصیت او توجه و سفارش شده است؛ زیرا هدف از تنبیه، اصلاح و تغییر رفتار خطاکار است و این هدف در صورتی تحقق می‌یابد که شخصیت فرد خدشه‌دار نشود و به جایگاه او در جامعه آسیب نرسد؛ گرچه بی‌شک باید به سبب خطایش تنبیه شود.

۱. «بما كانوا يكذبون.»

۲. «بما كانوا يفسقون.»

۳. «بما عصوا و كانوا يعتدون.»

۴. «بما كانوا يكتُمون.»

۵. «بما كانوا يمكرون.»





رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر کنیز شما مرتکب عمل منافی عفت شد، او را [به وسیله حاکم] حد بزنید؛ ولی او را سرزنش نکنید^۱ (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۴۶). در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله بر لزوم مجازات خطاکار تأکید کرده است. البته به گفته ایشان، نباید با سرزنش و تحقیر، شخصیت فرد خطاکار تخریب شود؛ زیرا مجازات برای عملی است که مرتکب شده است؛ درحالی که سرزنش به شخصیت او صدمه می‌زند. در حدیث دیگری، رسول خدا صلی الله علیه و آله به محترم‌بودن عبد نزد پروردگار و مبعوض‌بودن عمل او اشاره کرده است: «خداوند بنده‌اش را دوست دارد، [اگرچه] عملش نزد او مبعوض باشد»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۹: ۶۰۰). ابوحامد غزالی درباره اصول تنبیه معتقد است هنگام تنبیه کودک نباید خدشه‌ای به شخصیت او وارد آید، بلکه رفتار کودک باید سرزنش شود (غزالی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۱۳).

روان‌شناسان، برای اصلاح و درمان رفتارهای نامناسب، از روش کاهش و حذف رفتار نامطلوب استفاده می‌کنند. آنچه در این روش‌ها اهمیت دارد، رفتار نامطلوب است، نه شخصیت افراد؛ برای نمونه، در اصلاح رفتار از خاموشی بهره می‌گیرند تا رفتار نابهنجار را از بین ببرند، نه شخصیت فرد را. خاموشی یکی از روش‌های منفی تغییر رفتار است. مایر^۳ و همکارانش، شش عامل را در روش خاموشی مؤثر می‌دانند که یکی از این عوامل، پرداختن به رفتار مشکل‌آفرین است، نه سرزنش فرد دارای مشکل (آلبرتو^۴ و همکاران، ۱۹۹۱م: ۲۱۷). محروم کردن از تقویت نیز یکی دیگر از روش‌های تنبیهی تغییر رفتار است. در این روش نیز باید رفتار نامطلوب، هدف تنبیه و محرومیت از تقویت باشد، نه آنکه خود فرد سرزنش شود و از دریافت تقویت محروم گردد. روان‌شناسان معتقدند این روش در صورتی می‌تواند در کاهش رفتار نامطلوب مؤثر واقع شود که رفتار فرد را از آنچه موجب تقویت می‌شود، محروم کند و فرد به محیطی فرستاده شود که برای آن رفتار، دیگر تقویت دریافت نکند (همان: ۲۱۵). جبران نیز یکی از روش‌های تنبیهی است. در این روش، فرد خطاکار را وامی‌دارند تا برای جبران خطای خود، آن را اصلاح کند.

۱. «إِذَا زَنَتِ خَادِمٌ أَحَدِكُمْ فَلْيَجْلِدْهَا أَلْحَدَ وَ لَا يَغَيِّرْهَا.»

۲. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ وَ يَبْغِضُ عَمَلَهُ.»

3. Mayer.

4. Alberto.



هدف در این روش این است که فرزند یاد بگیرد اشتباهات خود را جبران کند. در این روش نیز آنچه هدف تغییر و اصلاح قرار می‌گیرد، رفتار خطا کار است، نه شخصیت او (همان: ۲۸۶).

بنابراین، با توجه به گزاره‌های دینی و روان‌شناسی، تنبیه در صورتی می‌تواند مؤثر باشد که از عوارض جانبی آن پیشگیری شود؛ یعنی رفتار فرد خطا کار را مستحق تنبیه بدانیم، نه شخصیت او را و برای اصلاح رفتار او بکوشیم،^۱ در غیر این صورت، فرد بر اثر تنبیه نادرست دچار احساس حقارت می‌شود. تشویق نیز باید به فعل و عمل نیک شخص تعلق گیرد تا محرک و تقویت کننده باشد و موجب خودبینی و خروج از اعتدال نشود و فرد را به سوی منازل و مراتب بالاتر ترغیب کند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «همانا خدای سبحان پاداش را بر «طاعت» خود و عقاب را بر «نافرمانی» خود قرار داده است»^۲ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۵۳۹).

هم‌ترازی میان تشویق و تنبیه و نوع رفتار

تشویق و تنبیه باید بجا و متناسب با میزان و نوع کارکرد فرزندان باشد. نباید برای کاری کوچک، پاداش‌های بزرگ و تحسین‌های بیش از اندازه در نظر گرفت؛ زیرا انگیزه فعالیت و کوشش را سلب می‌کند. درباره تنبیه هم باید میزان خطا و جرم را در نظر گرفت. کوتاهی در تنبیه موجب تکرار خطا و افراط در تنبیه موجب در ماندگی و استیصال می‌شود. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«همواره در نظر بدار که هر یک چقدر کوشش کرده‌اند و رنج کسی را به دیگری نسبت نده و در اجر و مزدش به اندازه رنجی که برده کوتاهی مکن (مقدار تشویق متناسب با عمل). شرف و بزرگی کسی تو را وادار نکند که رنج اندکش را بزرگی شماری (او را بی‌جا تشویق کنی) و فرودستی کسی تو را واندارد که رنج بزرگش را کوچک شماری (و

۱. البته در مواردی که رفتار نابهنجار برای فرد، ملکه و عادت شده باشد، باید شخصیت او را نیز متنبه و هوشیار کرد تا خودش را اصلاح کند.

۲. «إِنَّ اللَّهَ شَبَّحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ».



او را درست تشویق نکنی)^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۴). از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «مجازات عبد تا چه اندازه جایز است؟» حضرت فرمود: «به اندازه گناهش»^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۸: ۱۴۰۳).

اندیشمندان مسلمان و روان‌شناسان نیز بر تناسب میان خطا و مجازات تأکید دارند. «جاحظ» می‌گوید: «تنبیه از نظر کمیت و کیفیت باید با رفتار نابهنجار شخص مطابق باشد. اگر رفتار فرد مستلزم تنبیه بود، نباید در تنبیه از مقدار مناسب آن تجاوز کرد (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۱). «قابسی» بعد از سفارش به رعایت سلسله‌مراتب در تنبیه می‌گوید: «در صورت ادامه رفتار ناشایست، به میزان جرم و خطایش، از یک تا سه ضربه او را تنبیه بدنی کند» (فتحعلی‌خانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۶). «لپر»^۳ معتقد است کودکان زمانی یک قاعده را می‌پذیرند و درونی می‌کنند که مقدار تنبیه فقط به اندازه‌ای باشد که آنان را وادار به موافقت کند و خیلی شدید نباشد (هنری ماسن، ۱۳۷۷: ۴۵۲).

زیاده‌روی یا کوتاهی در تشویق و تنبیه، فلسفه و حکمت آن‌ها را از بین می‌برد و آثار سوء تربیتی به جای می‌گذارد. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: «ستودن بیش از اندازه و بیش از آنچه سزاوار است، نوعی چاپلوسی و ستودن کمتر از حدی که سزاوار است، نوعی کودنی یا حسادت است»^۴ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ۵۳۵). همچنین، حضرت فرمود: «زیاده‌روی در سرزنش و تنبیه، لجاجت (ناهنجاری رفتاری) را افزایش می‌دهد (نتیجه معکوس می‌دهد)^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۴: ۲۱۲). حضرت علی درباره زیاده‌روی در تنبیه و نکوهش مخاطب فرمود: «نکوهش را زیاد مکن؛ زیرا که نکوهش زیاد، کینه می‌آورد»^۶

۱. «تَمَّ اعْرِفَ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اَبْلَىٰ وَ لَا تَضْمَنَّ بِلَاءِ امْرِئٍ اِلَىٰ غَيْرِهِ وَ لَا تُفَضِّرَنَّ بِوَدُونِ غَايَةِ بِلَايِهِ وَ لَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرِئٍ اِلَىٰ اَنْ تُعْظِمَ مِنْ بِلَايِهِ مَا كَانَ صَغِيْرًا وَ لَا صَعَةَ امْرِئٍ اِلَىٰ اَنْ تُسْتَضِعِرَ مِنْ بِلَايِهِ مَا كَانَ عَظِيْمًا».
 ۲. «ما لِلرَّجُلِ يُعَاقِبُ بِهِ مَمْلُوْكُهُ؟ قَالَ: عَلٰی قَدْرِ ذَنْبِهِ.» در این حدیث، مورد سؤال «عبد» است؛ اما شامل کودک هم می‌شود؛ زیرا کودک و عبد در بسیاری از احکام مشترک‌اند؛ برای مثال، از امام صادق علیه السلام درباره ادب کودک سؤال شد: «قُلْتُ لِابِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِي اَدَبِ الصَّبِيِّ وَ الْمَمْلُوْكِ، فَقَالَ: حَمْسَةٌ اَوْ سِتَّةٌ، وَ اِرْفَقْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۶۸).

3.Laper.

۴. «النَّاءُ بِاَكْثَرِ مِنَ الْاِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيْرُ عَنِ الْاِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ اَوْ حَسَدٌ.»

۵. «الْاَفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يُشَبُّ نِيْرَانَ الْمَلْجَاجَةِ.»

۶. «لَا تُكْثِرِ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُوْرِثُ الضَّغِيْنَةَ.»



(همان‌جا) یا «پرهیز از اینکه مکزّر ملامت کنی؛ پس به‌درستی که این کار، افراد را بر گناه حریص می‌گرداند و اثر ملامت و سرزنش را بی‌ارزش می‌کند»^۱ (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۲۲۳). حضرت همچنین درباره‌ی لزوم اعتدال و میانه‌روی فرمود: «میانه‌روی، اندک را فراوان کند»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۴: ۲۱۲). پیامبر گرامی اسلام ﷺ در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب درباره‌ی نافرمانی اعضای خانواده، سه بار فرمود: «آن‌ها را ببخش و عفو کن» و بار چهارم فرمود: «اگر تنبیه کردی به اندازه‌ی جرم و گناهشان تنبیه کن و نه بیشتر» (هیثمی، ۱۴۰۸ق، ۸: ۱۰۶). مرتضی مطهری درباره‌ی جایگاه تنبیه در اصلاح رفتار می‌گوید: «تنبیه عامل تربیت به مفهوم پرورش و رشد دادن نیست، بلکه از اعمالی است که برای تربیت کودک و در راستای جلوگیری از رشد استعدادهای پست و رفتارهای طغیانگرانه (بازدارندگی) می‌توان از آن بهره گرفت» (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۶).

قاطعیت در اجرای تنبیه و دوری از پرخاشگری

در تشویق و تنبیه - هرچند جزئی باشد - نباید سستی یا تبعیض روی دهد؛ چراکه این کار، اثر تنبیه و تشویق را از بین می‌برد و مشکلات جدیدی را به‌وجود می‌آورد. اگر فردی صرفاً به دلیل دوستی یا وابستگی به حاکم تشویق شود یا تنبیه نشود، در وی غرور کاذب پدید می‌آید و دیگران دلسرد می‌شوند. رعایت آرامش روانی در هنگام تنبیه، پرهیز از تعصب جاهلانه و اجتناب از تنبیه فرزندان در حالت خشم^۳ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۳۱) نیز از ضرورت‌های روش تربیتی تنبیه است؛ زیرا ادب کردن در حال خشم، از اعتدال خارج می‌شود و تشفی خویشتن، از اصلاح رفتار فرزند پیشی می‌گیرد.

ملاحظه شرایط و نوع خطا

گاهی تشویق و تنبیه در مسائل حاکمیتی و کشورداری است و گاهی مربوط به مسائل تربیتی و به‌ویژه تربیت فرزند است. در فرزندپروری اساس کار بر مدارا، گذشت، تغافل و

۱. «إِنَّكَ أَنْ تُكْزَّرَ الْعُتْبُ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِى بِالذَّنْبِ وَ يُهْوَى الْعُتْبُ.»

۲. «مَنْ أَقْتَصَدَ وَ لَنْ يَفْتَقِرَ.»

۳. «لَا أَدَبَ مَعَ عَضْبٍ؛ بَا خَشَمِ تَرْبِيَةِ مُمْكِنٍ نَيْسَت.»



روابط عاطفی است و تا حد امکان نباید به خشونت و تنبیه متوسل شد؛ اما در مسائل حکومتی باید مصالح کل جامعه را ملاحظه کرد. در سیره تربیتی حضرت علی علیه السلام هرگاه به خود حضرت ظلم می‌شد یا حقی از ایشان ضایع می‌گردید، از حق خود می‌گذشت و عفو می‌کرد؛ اما هنگامی که به حقوق مردم یا به حدود الهی و اصول اسلامی تعرض می‌شد، بسیار جدی بود. ایشان درباره موارد استفاده از قدرت و زور فرمود: «سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم»^۱ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۶۶). همچنین فرمود: «به خدا سوگند... زمام ستمگر را بگیرم و به آبخور حق وارد سازم؛ گرچه تمایل نداشته باشد»^۲ (همان‌جا). معنای این سخن از دیدگاه مدیریتی این است که اگر لازم باشد برای ایجاد رفتار مطلوب در بعضی کارکنان به زور و اجبار متوسل شوم، بی‌شک از این روش استفاده می‌کنم و آنان را به همراهی و عملکرد مطلوب وادار خواهم کرد؛ یعنی هدف، هدایت افراد است، نه احقاق حقوق شخصی. پس، در جایی که چاره‌ای جز تنبیه نبود، ایشان اعمال قدرت می‌کرد و البته به مسائل ریز تربیتی نیز توجه داشت و راهکارهایی را به همگان می‌آموخت. روح و جوهره قوانین تنبیهی اسلام به گونه‌ای است که اصلاح و تربیت افراد تحقق یابد و امور مردم به سوی صلاح و آرامش و کاهش ناهنجاری سوق پیدا کند، نه اینکه جسارت و ناهنجاری را افزایش دهد و افراد را در گناه و خطا بی‌باک کند.

بیان دلایل تشویق و تنبیه

دلیل تشویق و تنبیه باید شفاف و روشن باشد تا شخص بدانند برای چه کاری تشویق یا تنبیه شده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۳۵ تا ۳۴۴). با این شیوه، تمایل افراد به کارهای مثبت و پسندیده بیشتر می‌شود و از گنش‌های ناصواب و ناهنجار اجتناب می‌کنند. تبیین دلایل تشویق و تنبیه، ضرورت رضایت والدین از فرزندان را نشان می‌دهد و در فرزندپروری اهمیت دوچندان دارد؛ از این‌رو، والدین و مربیان باید توضیح دهند که چه خطایی از

۱. «وَلَعَمْرِي مَا عَلِيٌّ مِنْ قِتَالِ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَخَابَطَ الْعَنِي مِنْ إِذْهَانٍ وَلَا إِيْهَانٍ».

۲. «لَأُقَوِّدَنَّ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ حَتَّى أُورِدَهُ مَنَهْلَ الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ كَارِهَا».

کودک سر زده که مستحق تنبیه شده است. نکته مهم تر اینکه تشویق و تنبیه باید معیار منطقی داشته باشد، عقلانیت بر آن حاکم باشد و براساس حب و بغض و منافع شخصی نباشد. لاوویی و پارک معتقدند تنبیه، زمانی بیشترین تأثیر را دارد که بزرگسال برای آن دلیل منطقی بیاورد؛ به این معنا که از روش استنتاجی همراه با تنبیه بهره بگیرد. توضیح دادن و دیگر روش‌های استنتاجی موجب می‌شود کودکان، قواعد والدین را درونی کنند و بدین ترتیب، حتی وقتی که کسی نمی‌داند آن‌ها چه می‌کنند، آن قواعد را به کار بندند (هنری ماسن، ۱۳۷۷: ۴۵۳).

اگر به هر دلیلی کودکی تنبیه شود، باید دلیل را برایش توضیح داد. اگر کودک از دلیل ناراحتی والدین آگاه نباشد، دچار تشویش و نگرانی می‌شود. این کافی نیست که والدین بدانند به چه دلیل کودکشان را تنبیه می‌کنند؛ این کودک است که تنبیه می‌شود و حتی اگر با تنبیه موافق نباشد، صددرصد باید دلیل آن را بداند (اسپارک، ۱۳۸۱: ۴۵۳). در قرآن موضوعات مختلفی وجود دارد که در آن‌ها علل عذاب و تنبیه افراد بیان شده است^۱ (آل عمران: ۱۰۶؛ بقره: ۱۰ و ۶۱).

فوریت در تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه باید فوری و بعد از انجام کار صورت پذیرد و به موقع باشد؛ چراکه فاصله افتادن میان رفتار مطلوب و پاداش، اثربخشی آن را کم می‌کند. تنبیه نیز باید بلافاصله بعد از بروز رفتار نادرست اعمال شود؛ وگرنه تأثیر اصلاحی ندارد و کاربرد آن کاملاً بی‌فایده است (وست وود، ۱۳۸۱: ۸۶). همچنین، اگر میان تنبیه و زمان تخلف فاصله باشد، دلیل تنبیه فراموش می‌شود. اگر ایجاد ترس، به موقع صورت نگیرد، اثر مطلوب خود را ندارد.

اصل فوریت، در آموزش و اصلاح رفتار بسیار مهم است؛ به ویژه درباره افراد کم‌سن، نقش مؤثری دارد. مایکل^۲ معتقد است برای اینکه تشویق و تنبیه ثمربخش باشد، رعایت هفت اصل، ضروری است. یکی از این اصول این است که فاصله میان رفتار نامطلوب و تنبیه، اندک باشد (لفرانسوا، ۱۳۸۰: ۵۲۳).

۱. «فَدُّوْهُوَ الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُوْنَ. وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ. وَ صُرِّبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوْا بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُوْنَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ»

2. Mikl.



پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ناآگاهی از نتیجه کار، تأثیری بر یادگیری ندارد؛ اما آگاهی از نتایج پاسخ‌ها و فعالیت‌های یادگیرنده، در بهبود کیفیت کار او تأثیر بسزا دارد. این آگاهی از نتایج کار یا بازخورد حاصل از فعالیت انجام شده، همان قدر بر یادگیری مؤثر است که تقویت‌کننده‌های مثبت مؤثرند (سیف، ۱۳۷۷: ۳۸۹). شاید یکی از علل اساسی بی‌تأثیر بودن تنبیه و مجازات بر کاهش رفتارهای ناهنجار در کشور ما، طولانی بودن روند دادرسی، روشن نبودن دلایل تنبیه، ناآگاهی مردم از قوانین کیفری و کاستی‌ها در اجرای تنبیه است.



نتیجه گیری

با توجه به آموزه‌های اسلامی درباره فرزندپروری و نقش تشویق و تنبیه در این عرصه مهم، رعایت نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. تربیت فرزند براساس گزاره‌های اسلامی، به دلیل مصونیت حداکثری از آزمایش و خطاهای متعارف در علوم تجربی، از اتقان و جامعیت نسبی بیشتری برخوردار است؛
۲. روش‌های فرزندپروری مبتنی بر اندیشه‌های غیراسلامی، معمولاً کارایی لازم را به ویژه در جامعه اسلامی ندارند؛
۳. یکی از نقش‌های اساسی والدین در نظام خانواده، تعهد و التزام به تربیت فرزند با روشی شایسته و بهنجار است؛
۴. بهره‌گیری از تشویق و تنبیه، ضوابط و چارچوب‌های خاصی دارد که باید با دقت و ظرافت رعایت شود؛
۵. اولویت در تربیت فرزند، بهره‌گیری از تشویق است و تنبیه برای موارد خاص و به‌منزله آخرین راهکار است؛
۶. در بهره‌گیری از تشویق و تنبیه باید تفاوت‌های فردی، ظرفیت‌های روان‌شناختی و هم‌ترازی تشویق و تنبیه با رفتار رعایت شود؛
۷. قاطعیت، فوریت و ملاحظه وضعیت روان‌شناختی و جسمانی افراد در بهره‌گیری از تنبیه ضرورت دارد؛
۸. در تنبیه فرزندان خردسال نباید از تنبیه فیزیکی بهره برد، بلکه باید به تنبیه کلامی و عاطفی بسنده کرد؛
۹. توجیه فرد تنبیه‌شونده درباره خطاهایی که مرتکب شده و بهره‌گیری از موعظه، نقش سازنده‌ای در اصلاح‌کنش‌های رفتاری دارد؛
۱۰. تبیین توقعات خود از فرزندان و تعریف رفتار دلخواه و مطلوب، یکی دیگر از بایسته‌های اخلاقی در تربیت فرزند و ایجاد تحول در رفتارهای درونی و بیرونی آنان است.
۱۱. در فرآیند تنبیه باید کرامت، منزلت و شخصیت افراد محترم شمرده شود؛ زیرا اگر شخصیت افراد تخریب شود و آسیب ببینند، زمینه برای انجام رفتارهای ناهنجار بیشتری ایجاد می‌گردد.



کتابنامه

۱. قرآن کریم؛ ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)؛ شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید؛ قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)؛ من لا يحضره الفقيه؛ قم: اسلامی.
۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)؛ عدة الداعی و نجاح الساعی؛ تهران: دارالکتب الإسلامی.
۵. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)؛ اسلام و تعلیم و تربیت؛ چ دوم، قم: بوستان کتاب قم.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: دفتر تبلیغات.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ وسائل الشیعه؛ قم: آل البيت.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷)؛ سیری در تربیت اسلامی؛ تهران: ذکر.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳)؛ لغت نامه؛ تهران: چاپ سیروس.
۱۰. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۷۷)؛ ترجمه غرر الحکم و درر الکلم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)؛ الفایق فی غریب الحدیث؛ بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۲. سیف، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)؛ تهران: آگاه.
۱۳. _____ (۱۳۸۴)؛ تغییر رفتار و رفتاردرمانی نظریه ها و روش ها؛ تهران: دوران.
۱۴. _____ (۱۳۹۳)؛ روان شناسی پرورشی نوین: روان شناسی یادگیری و آموزش؛ چ هفتم، تهران: دوران.
۱۵. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغة (للصبحی صالح)؛ قم: هجرت.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۶۰)؛ فرهنگ فارسی عمید؛ چ سوم، تهران: امیر کبیر.
۱۷. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۲۵ق)؛ احیاء علوم الدین؛ ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة.





۱۸. فایضی، علی (۱۳۷۰)؛ جایگاه روش‌های تنبیه در تعلیم و تربیت؛ چ اول، تهران: فیض کاشانی.
۱۹. فتحعلی‌خانی، محمد و همکاران (۱۳۷۷)؛ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن؛ ج اول، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۲۰. قاسمی، حمید محمد (۱۳۸۵)؛ روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن کریم؛ چ اول، تهران: معناگرا.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۲. گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۲۰ق)؛ الدر المنضود فی احکام الحدود؛ ج ۲، قم: دارالقرآن.
۲۳. لفرانسوا، گای. آر (۱۳۸۰)؛ روان‌شناسی برای معلمان؛ ترجمه هادی فرجامی؛ مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۴. لینی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)؛ عیون الحکم و المواعظ (للینی)؛ قم: دارالحدیث.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: صدرا.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۴)؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: نامن.
۲۸. وست وود، پیتر (۱۳۸۱)؛ آموزش و پرورش کودکان با نیازهای ویژه؛ ترجمه شاهرخ مکنون حسینی و فرح شیلاندری؛ تهران: رشد.
۲۹. هنری ماسن، پاول و همکاران (۱۳۷۷)؛ رشد و شخصیت کودک؛ ترجمه مهشید پارسایی؛ تهران: مرکز.
۳۰. هیشمی، علی بن ابوبکر (۱۴۰۸ق)؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد؛ تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا؛ بیروت: دارالکتب العلمیه.
31. Alberto, P.A. & Trotman, A. C. (1991); Applied behavior analysis; New York: Macmillan.
32. Baumrind, D. (1991); Effective parenting during the early adolescent transition. In P. E. Cowan & E. M. Hethrington (Eds), Family transitions:

Advances in family research (vol. 2, pp. 111-163), Hillsdale, NJ:Erlbaum.

33. Pinderhughes, E. E. and others (2000); Discipline responses: Influences of parents' socioeconomic status, ethnicity, beliefs about parenting, stress, and cognitive-emotional processes; Journal of Family Psychology, 14, 380-400.

34. Robbins, Stephen P and Judge, Timothy A. (2015); Organizational behavior; Manufactured in the United States of America.

35. Sternberg, J. R. (2011). A review of the relationship among parenting practices, parenting style, and adolescent school achievement. Educational Psychology Review, 17, 120-146.

36. Zang, R. B. (2011); An investigation of maternal personality styles and subjective well-being, personality and individual differences, 44, p.589.

